

به نام خدا

دالکه؛ صدای زاگرس

مؤلف :

فرشته رحیمی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : رحیمی ، فرشته ، ۱۳۶۸

عنوان و نام پدیدآور : دالکە؛ صدای زاگرس / مولف فرشته رحیمی
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.

مشخصات ظاهری : ۱۰۵ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۲۸۸-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : دالکە؛ صدای زاگرس

رده بندی کنگره : TP ۹۸۳

رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیفا

نام کتاب : دالکە؛ صدای زاگرس

مولف : فرشته رحیمی

ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵

چاپ : زبرجد

قیمت : ۱۷۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۲۸۸-۲

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه	۷
فصل اول: ریشه‌یابی واژه «دا» و «دالکه» در فرهنگ و زبان‌های زاگرس	۹
ریشه‌های باستانی واژه «دا»	۹
واژه «دا» در گویش‌های زاگرسی	۱۰
گستره‌ی جغرافیایی واژه	۱۱
تحول واژه و شکل‌گیری «دالکه»	۱۲
پسوندهای محبت‌آمیز در زبان‌های زاگرسی	۱۲
«دالکه» در فرهنگ شفاهی زاگرس	۱۳
نماد مادر در فرهنگ زاگرس	۱۴
«دالکه» به عنوان نماد فرهنگی	۱۴
اهمیت واژه‌های خویشاوندی در مطالعات زبان و فرهنگ	۱۵
جایگاه مادر در جهان‌بینی فرهنگی زاگرس	۱۷
بررسی زبان‌شناختی واژه «دا» در زبان‌های ایرانی	۲۰
ساختار واژه «دالکه» و نقش پسوندهای عاطفی	۲۲
فصل دوم: جایگاه معنوی و نمادین مادر در فرهنگ زاگرس	۲۷
مادر به عنوان ستون خانواده	۲۷
مادر و مفهوم برکت	۲۸
مادر در ادبیات و لالایی‌های محلی	۲۸
مادر در زندگی ایلی و کوچ	۲۸
مادر و هویت خانوادگی	۲۹
مقایسه با برخی فرهنگ‌های دیگر ایران	۲۹
فصل سوم: مادر و حماسه کار در زندگی کوهستانی	۳۱

۳۱.....	مادر به عنوان نیروی کار اصلی خانواده.....
۳۲.....	مادر در کوچهای ایلی.....
۳۲.....	حماسه کار در فرهنگ شفاهی.....
۳۳.....	مادر به عنوان نماد پایداری فرهنگی.....
۳۹.....	فصل چهارم: مکتب مادری؛ تربیت فرزندان در دامن طبیعت.....
۳۹.....	طبیعت به عنوان نخستین کلاس درس.....
۴۰.....	آموزش صبر و استقامت.....
۴۱.....	تقویت مسئولیت پذیری از سنین پایین.....
۴۱.....	انتقال فرهنگ، سنت ها و هویت بومی.....
۴۲.....	پرورش روحیه همدلی و همکاری.....
۴۲.....	آموزش ساده زیستی و قناعت.....
۴۳.....	پرورش استقلال و توانمندی فردی.....
۴۴.....	ایجاد پیوند عمیق با طبیعت.....
۴۴.....	تقویت سلامت جسمی و روانی.....
۴۵.....	نقش محبت و پیوند عاطفی مادر.....
۴۵.....	نتیجه گیری.....
۴۶.....	نقش کار و تلاش در تربیت فرزندان.....
۴۷.....	آموزش احترام به بزرگ ترها.....
۴۷.....	تقویت روحیه قناعت و رضایت از زندگی.....
۴۸.....	نقش داستان ها و روایت های مادرانه.....
۴۸.....	پرورش حس تعلق به سرزمین.....
۴۹.....	اهمیت روابط خانوادگی.....
۴۹.....	آموزش مدیریت مشکلات.....

۵۰.....	پرورش امید و نگاه مثبت به زندگی
۵۰.....	نقش ایمان و ارزش‌های معنوی
۵۱.....	جمع‌بندی نهایی.....
۵۳.....	فصل پنجم: آواهای دلتنگی؛ مادر در فرهنگ شفاهی و موسیقی
۵۴.....	زاگرس؛ جغرافیای صدا و احساس.....
۵۵.....	مادر؛ نخستین راوی فرهنگ شفاهی.....
۵۶.....	لالایی‌ها؛ نخستین تجربه موسیقایی کودک
۵۷.....	مویه‌ها؛ صدای اندوه مادرانه
۵۸.....	آواهای کوچ؛ موسیقی سفر و دلتنگی
۵۸.....	نقش مادر در حفظ زبان و گویش.....
۵۹.....	موسیقی کار؛ آواز در دل زندگی روزمره
۶۰.....	تصویر مادر در ترانه‌های محلی
۶۰.....	دلتنگی در موسیقی زاگرس.....
۶۰.....	بداهه‌پردازی در آوازهای زنانه
۶۱.....	مهاجرت و تغییر در آواهای مادرانه
۶۱.....	آیین‌ها و مراسم.....
۶۲.....	تحلیل موسیقایی
۶۲.....	ثبت و پژوهش
۷۳.....	فصل ششم: مادران زاگرس در گذار از سنت به مدرنیته
۷۴.....	مادر به‌عنوان محور خانواده سنتی
۷۴.....	نقش مادر در اقتصاد معیشتی
۷۵.....	مادران و انتقال فرهنگ شفاهی
۷۵.....	تربیت فرزندان در محیط طبیعی.....

نقش مادر در کوچ عشایری	۷۶
تغییر در ساختار خانواده	۷۶
گسترش آموزش دختران	۷۶
مادران و اشتغال	۷۷
تأثیر رسانه‌ها و فناوری	۷۷
تغییر در الگوهای تربیتی	۷۸
چالش‌های هویتی	۷۸
نقش مادر در حفظ زبان‌های محلی	۷۸
تغییر در آیین‌ها و سنت‌ها	۷۹
مادران و مهاجرت	۷۹
مادران و نقش اجتماعی جدید	۷۹
بازتعریف نقش مادری	۸۰
تداوم ارزش‌های سنتی	۸۰
مادران به‌عنوان حافظان حافظه فرهنگی	۸۰
پیوند میان نسل‌ها	۸۰
چشم‌انداز آینده	۸۱
جمع‌بندی	۸۱
فصل هفتم: لالایی‌های زبان لکی و واژه‌نامه زبان لکی	۸۳
واژه‌نامه کوتاه لکی – فارسی (برای لالایی‌ها)	۹۵
فهرست منابع	۹۸
منابع فارسی	۹۸
منابع انگلیسی	۱۰۲
منابع میدانی و شفاهی	۱۰۵

مقدمه

دل زاگرس، هزاران سال است که با نوای مردمش می‌تپد؛ نوایی که در پیچ و خم کوه‌ها می‌پیچد، از گذرگاه‌های باد عبور می‌کند و در جان مردمان این سرزمین ریشه می‌دواند. "دالکه" یکی از همین صداهاست؛ صدایی برخاسته از زیست‌کوه‌نشینان، از رنج و شادی، کوچ و ماندن، دلدادگی و دلاوری، دالکه نه تنها یک نغمه محلی، بلکه روایت‌گری خاموش از تاریخ، اقوام زاگرس نشین است؛ روایتی که نسل‌ها آن را سینه‌به‌سینه حفظ کرده‌اند تا امروز نیز همچون آتشی گرمابخش، چراغ خانه‌ها و محافلشان باقی بماند. این کتاب تلاشی است برای شنیده شدن دوباره این صدا؛ برای آن که بفهمیم دالکه در کجا زاده شده، چگونه زیست و چه مسیری را طی کرد تا به گوش ما رسید. در این صفحات نه تنها با ساختار و ویژگی‌های موسیقایی دالکه آشنا می‌شویم، بلکه به جهان زیباشناختی و انسان‌شناختی آن نیز قدم می‌گذاریم؛ به باورها، آیین‌ها، روایت‌ها و احساساتی که این آواز را شکل داده‌اند و به آن جان بخشیده‌اند.

اگر چه فناوری، زمانه و شیوه‌های زندگی دگرگون شده‌اند، اما دالکه همچنان زنده است؛ زیرا برخاسته از تجربه‌های مشترک انسانی است و فارغ از مرزها، قلب هر شنونده‌ای را می‌لرزاند. شاید به همین دلیل است که وقتی نوای دالکه در کوهستان طنین می‌اندازد، حتی باد هم لحظه‌ای درنگ می‌کند تا بشنود.

امید است این کتاب پلی باشد میان گذشته و امروز؛ میان صدای نیاکان و گوش‌های
نسل‌های تازه باشد. که دالکه این پژواک ماندگار زاگرس، همچنان شنیده شود و راه خود
را به سوی آینده باز کند.

فصل اول

ریشه‌یابی واژه «دا» و «دالکه» در فرهنگ و زبان‌های زاگرس

در میان واژگان عاطفی و بنیادین زبان‌های انسانی، واژه‌هایی که برای «مادر» به کار می‌روند از کهن‌ترین و پایدارترین عناصر زبانی به شمار می‌آیند. در گستره‌ی جغرافیایی زاگرس - که محل زندگی اقوامی چون لر، لک، کرد و بختیاری است - واژه «دا» یکی از اصلی‌ترین و صمیمی‌ترین نام‌ها برای مادر است. شکل گسترش‌یافته‌ی آن یعنی «دالکه» نیز در بسیاری از گویش‌های زاگرسی کاربردی گسترده دارد. این واژه نه تنها یک نام خانوادگی برای مادر، بلکه حامل لایه‌هایی از معناهای فرهنگی، عاطفی و هویتی است. بررسی ریشه‌شناسی و تحول این واژه می‌تواند دریچه‌ای به درک عمیق‌تر زبان، فرهنگ و ساختارهای عاطفی در جامعه‌ی زاگرس بگشاید.

ریشه‌های باستانی واژه «دا»

بسیاری از پژوهش‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد که واژه‌های مربوط به «مادر» در زبان‌های مختلف جهان غالباً از آواهای ساده و ابتدایی تشکیل شده‌اند. این آواها معمولاً نخستین صداهایی هستند که کودک در هنگام رشد زبانی تولید می‌کند. صداهایی مانند



«ما»، «ماما»، «دا»، «آما» و «اما» در بسیاری از زبان‌های جهان برای اشاره به مادر یا زن مراقب به کار رفته‌اند.

در خانواده‌ی زبان‌های ایرانی نیز نمونه‌هایی از این ریشه دیده می‌شود. در برخی گویش‌های کهن ایرانی و در زبان‌های ایرانی میانه، صورت‌هایی نزدیک به «دا» برای اشاره به مادر یا زن بزرگ خانواده وجود داشته است. هرچند در فارسی معیار واژه «مادر» جایگزین این صورت‌های کوتاه شده است، اما در بسیاری از گویش‌ها و زبان‌های محلی ایران، شکل‌های ساده‌تر و کهن‌تر همچنان حفظ شده‌اند.

واژه «دا» در گویش‌های زاگرسی

در میان اقوام ساکن زاگرس، واژه «دا» همچنان به‌طور گسترده برای اشاره به مادر به کار می‌رود. در گویش‌های لری، لکی و برخی گویش‌های کردی، «دا» یکی از رایج‌ترین نام‌ها برای مادر است. این واژه معمولاً در گفتار روزمره، لالایی‌ها، سوگ‌سروده‌ها و مکالمات خانوادگی شنیده می‌شود.

در زبان لری، «دا» علاوه بر معنای مستقیم مادر، بار عاطفی و احترام‌آمیز دارد. فرزندان هنگام خطاب قرار دادن مادر خود اغلب از همین واژه استفاده می‌کنند. در بسیاری از



مناطق لرستان و بختیاری نیز «دا» نه تنها به مادر، بلکه گاهی به زنان مسن و محترم خانواده نیز گفته می‌شود.

در زبان لکی نیز این واژه با همان شکل و معنا حضور دارد. در مکالمات روزمره لک‌ها، کودکان و حتی بزرگسالان هنگام صحبت با مادر یا دربارهی او از واژه «دا» استفاده می‌کنند. در برخی مناطق، این واژه با پسوندهای محبت‌آمیز ترکیب شده و شکل‌های متنوعی پیدا می‌کند.

در زبان کردی نیز شکل‌هایی مانند «دا» و «دایک» دیده می‌شود. واژه «دایک» در کردی به معنای مادر است و بسیاری از زبان‌شناسان معتقدند که ریشه‌ی آن با واژه «دا» مشترک است.

گستره‌ی جغرافیایی واژه

جالب آن که واژه «دا» تنها به زاگرس محدود نیست. در برخی زبان‌ها و گویش‌های دیگر ایرانی نیز نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود. در زبان بلوچی «دا» به معنای مادر است. در برخی گویش‌های خراسانی نیز این واژه برای خطاب به مادر یا زن مسن به کار می‌رود. این گستردگی نشان می‌دهد که «دا» احتمالاً ریشه‌ای بسیار کهن در زبان‌های ایرانی دارد و در طول قرن‌ها در مناطق مختلف باقی مانده است.



تحول واژه و شکل‌گیری «دالکه»

در بسیاری از زبان‌ها و گویش‌ها، واژه‌های پایه با افزودن پسوندها و پیشوندها شکل‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند. در گویش‌های زاگرسی نیز واژه «دا» با افزودن پسوندهای عاطفی و تصغیری به صورت‌های جدیدی تبدیل شده است. یکی از این شکل‌ها «دالکه» است.

واژه «دالکه» معمولاً از ترکیب «دا» با پسوند «که» ساخته شده است. پسوند «که» در بسیاری از گویش‌های ایرانی نقش محبت‌آمیز یا تصغیری دارد. این پسوند می‌تواند نشان‌دهنده‌ی صمیمیت، مهربانی یا کوچکی باشد.

بنابراین «دالکه» را می‌توان به معنای «مادر عزیز»، «مادر مهربان» یا «مامان» در زبان محاوره دانست. این واژه بیشتر در موقعیت‌های عاطفی و خانوادگی به کار می‌رود و بار احساسی آن از «دا» نیز بیشتر است.

پسوندهای محبت‌آمیز در زبان‌های زاگرسی

در گویش‌های لری و لکی استفاده از پسوندهای محبت‌آمیز بسیار رایج است. این پسوندها معمولاً برای ایجاد حس صمیمیت و نزدیکی به واژه‌ها افزوده می‌شوند. برای نمونه:

باب + که → بابکه



کا + که → کاکه

دا + که → داکه یا دالکه

این نوع ساخت واژه نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌های زبانی گویش‌های زاگرسی است که در آن‌ها عاطفه و رابطه‌ی اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری واژه‌ها دارد.

«دالکه» در فرهنگ شفاهی زاگرس

واژه «دالکه» تنها یک واژه‌ی خانوادگی نیست؛ بلکه در فرهنگ شفاهی زاگرس حضوری پررنگ دارد. در لالایی‌ها، آوازهای کار، مویه‌ها و ترانه‌های محلی، این واژه بارها تکرار می‌شود.

در بسیاری از لالایی‌های لری و لکی، مادر هنگام خواباندن کودک خود را «دالکه» می‌نامد یا کودک در شعر به مادر با این نام خطاب می‌کند. این واژه در چنین متونی نماد مهر، آرامش و پناه است.

در مویه‌ها و سوگ‌سروده‌های محلی نیز «دالکه» جایگاه ویژه‌ای دارد. هنگامی که فردی مادر خود را از دست می‌دهد، در سوگ‌خوانی‌ها اغلب از این واژه استفاده می‌شود. در اینجا «دالکه» نه تنها یک نام، بلکه نماد دلتنگی و فقدان است.



نماد مادر در فرهنگ زاگرس

در فرهنگ زاگرس، مادر نقشی فراتر از یک عضو خانواده دارد. او محور عاطفی خانه، حافظ سنت‌ها و انتقال‌دهنده‌ی فرهنگ به نسل‌های بعدی است. واژه «دالکه» نیز در همین بستر فرهنگی شکل گرفته و معنایی عمیق‌تر از یک واژه‌ی ساده پیدا کرده است.

در زندگی عشایری و روستایی زاگرس، مادران علاوه بر پرورش فرزندان، نقش مهمی در اقتصاد خانواده، نگهداری از دام‌ها، تهیه‌ی غذا و مدیریت زندگی روزمره دارند. به همین دلیل احترام به مادر در این فرهنگ بسیار پررنگ است.

«دالکه» به عنوان نماد فرهنگی

در بسیاری از آثار ادبی و هنری مرتبط با زاگرس، واژه «دالکه» به عنوان نمادی از مادر و ریشه‌های فرهنگی به کار می‌رود. شاعران و نویسندگان محلی از این واژه برای بیان احساسات عمیق انسانی استفاده کرده‌اند.

در ترانه‌های محلی نیز «دالکه» گاه به معنای مادر واقعی و گاه به عنوان نمادی از سرزمین یا زادگاه به کار می‌رود. در چنین مواردی، مادر به صورت استعاره‌ی با زمین، کوهستان و زادگاه پیوند می‌خورد. واژه «دا» یکی از کهن‌ترین واژه‌های زبانی در منطقه‌ی زاگرس است که ریشه‌های آن به لایه‌های قدیمی زبان‌های ایرانی بازمی‌گردد. شکل گسترش‌یافته‌ی آن



یعنی «دالکه» با افزودن پسوند محبت‌آمیز ساخته شده و بار عاطفی بیشتری پیدا کرده است. این واژه در فرهنگ زاگرس نه تنها به معنای مادر، بلکه نمادی از مهر، پناه و هویت فرهنگی است.

بررسی این واژه نشان می‌دهد که زبان تنها وسیله‌ای برای ارتباط نیست، بلکه حامل تاریخ، احساسات و جهان‌بینی یک جامعه است. «دالکه» در حقیقت آوایی است که در دل کوهستان‌های زاگرس شکل گرفته و در لایه‌ها، آوازاها و روایت‌های مردم این سرزمین زنده مانده است

۱. اهمیت واژه‌های خویشاوندی در مطالعات زبان و فرهنگ

واژه‌های خویشاوندی از مهم‌ترین و کهن‌ترین عناصر هر زبان به شمار می‌آیند. این واژه‌ها تنها ابزار نامیدن اعضای خانواده نیستند، بلکه بخش بزرگی از ساختار عاطفی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه را نیز بازتاب می‌دهند. در میان این واژه‌ها، نام‌هایی که برای «مادر» به کار می‌روند جایگاهی ویژه دارند؛ زیرا رابطه‌ی مادر و فرزند از نخستین و عمیق‌ترین روابط انسانی است و طبیعی است که زبان نیز برای بازنمایی این رابطه، واژه‌هایی بسیار قدیمی، عاطفی و پایدار را حفظ کند.